

رابطه‌ی رفتار مطلوب انضباطی با عملکرد خانواده، منبع کنترل و عزت نفس دانش‌آموزان

The relationship between discipline desired behavior and family functioning, locus of control and self-esteem of students

غلامعلی یوسلیانی^۱، مجتبی حبیبی^۲ و اسماعیل سلیمانی^۳
Gh.Yoselyani¹, M. Habibi² & S. Soleymani³

Abstract: The present study has been done to determine the relationship and contribution of family functioning variables (Problem solving, communication, role performance, emotional responsiveness, emotional intercourse, behavior control and overall functioning, locus of control and self-esteem) in the prediction of discipline desired behavior among high school students. For this purpose, 380 high school students and deputies of schools were selected with multi-stage sampling method and studied. Pearson correlation and regression analysis were used to analyze the data. The results indicate that: there are significant positive correlation there are between family functioning in all dimensions (problem solving, communication, role performance, emotional responsiveness, emotional intercourse, controlling behavior and overall performance) and the disciplinary desired behavior of students. Between locus of control of students there is positive relationship and discipline desired behavior. Between self-esteem of students there is a significant positive relationship with discipline desired behavior. From among the predictive variables studied, variables of emotional intercourse, self-esteem, and behavior control have been able to predict the disciplinary desired behavior of student

Keywords: discipline desired behavior, family functioning, locus of control, self-esteem, students

چکیده: هدف پژوهش حاضر بررسی سهم متغیرهای عملکرد خانواده (حل مشکل، ارتباط، ایفای نقش، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی)، منبع کنترل و عزت نفس در پیش‌بینی رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان دبیرستانی بوده است. به همین منظور، ۳۸۰ دانش‌آموز دبیرستانی و معاونین مدارس آنها با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. برای تجزیه و تحلیل آماری از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شده است. نتایج به دست آمده بیانگر همبستگی مثبت و معنادار بین عملکرد خانواده در همه ابعاد (حل مشکل، ارتباط، ایفای نقش، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی) با رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان؛ منبع کنترل درونی دانش‌آموزان با رفتار مطلوب انضباطی و بین عزت نفس دانش‌آموزان با رفتار مطلوب انضباطی آنان بود. نتایج رگرسیون نشان داد که از بین متغیرهای پیش‌بین، متغیرهای آمیزش عاطفی، عزت نفس و کنترل رفتار توانسته‌اند رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند.

واژه‌های کلیدی: رفتار مطلوب انضباطی، عملکرد خانواده، منبع کنترل، عزت نفس، دانش‌آموزان

۱. نویسنده‌ی رابط: دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه تربیت معلم
۲. استادیار پژوهشکده‌ی خانواده دانشگاه شهید بهشتی
۳. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان واحد اردبیل

دریافت مقاله: ۹۱/۲/۸ - پذیرش مقاله: ۹۱/۴/۲۱

مقدمه

رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان در مدارس، مجموعه رفتارهای توأم با رعایت قواعد عرفی، آموزشگاهی و اجتماعی را شامل می‌شود که مسئولان مدارس برای ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی آنها را در اولویت قرار داده‌اند (گالووی و راجرز^۱، ۲۰۰۰). رفتار نامطلوب انضباطی دانش‌آموزان از اصلی‌ترین مشغله‌های ذهنی مربیان، معلمان و اولیاء مدارس است، زیرا بروز رفتارهای نامطلوب انضباطی از سوی دانش‌آموزان، موجب بروز مشکلاتی در روند آموزشی شده و حتی می‌توان اذعان داشت از عمده‌ترین دلایل شکست معلمان و فشار روحی ناشی از آن است (رنک، مک‌کینی، کلاین و اولیورس^۲، ۲۰۰۶). براساس نظرسنجی عمومی موسسه‌ی «گالوپ» فقدان انضباط از مشکلات عمده‌ی مدارس عمومی آمریکا و کانادا بوده و معلمان مدیریت کلاس و کنترل دانش‌آموزان را از بزرگ‌ترین دغدغه‌های خود برشمرده‌اند (ناکامورا^۳، ۲۰۰۰). رفتار نامطلوب انضباطی دانش‌آموزان از جمله: بی‌احترامی نسبت به مربیان، معلمان و اولیاء مدرسه و همچنین عدم احترام به حقوق دانش‌آموزان دیگر، توانایی مدارس را برای فراهم نمودن آموزش مؤثر کاهش داده است (فرهنگ فلاح، ۱۳۸۲). یافته‌های اپیدمیولوژی مؤید این امر است که مشکلات انضباطی و اختلالات رفتاری دانش‌آموزان در مدارس نسبت به دهه‌ی پیش افزایش یافته، ماهیت رفتار نامطلوب انضباطی نیز از بی‌انضباطی‌های خفیف به حالت‌های شدید و حاد تغییر یافته است. اولیاء مدارس در پای بند کردن دانش‌آموزان به وظایف خود مشکلات زیادی داشته و حتی برخی مواقع آنها در امان نیستند و مورد تهدید قرار می‌گیرند (حمداله‌زاده گل، ۱۳۸۱). دیدگاه‌های مختلف روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بر این باورند که یک عامل به تنهایی تعیین‌کننده رفتار افراد نمی‌تواند باشد، بلکه عوامل متعددی در ایجاد و شکل‌گیری رفتار نقش دارند (امان الهی، عطاری و خجسته مهر، ۱۳۸۶). نظریه‌ها و پژوهش‌های گذشته نشانگر آنست که

1. Galloway & Rogers
2. Renk, Mckinney, Klein & Oliveros
3. Nakamura

متغیرهای بسیاری از جمله زمینه‌های خانوادگی و فردی با بروز رفتارهای مطلوب انضباطی مرتبط است (ویشیو و پنگ^۱، ۱۹۹۳). خانواده مهم‌ترین نهاد تربیتی جامعه و نخستین پرورشگاه فرد محسوب می‌شود. بیان هر سخنی درباره‌ی تربیت کودک و نوجوان، بدون توجه به نقش حیاتی خانواده ناقص است (به‌پژوه، ۱۳۸۰). عملکرد خانواده به زمینه‌هایی مانند: توانایی خانوادگی در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضاء، موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد و اجرای مقررات و اصول بر این نهاد با هدف حفاظت از کل سیستم خانوادگی بستگی دارد (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۲، ۱۹۹۸). از نظر عملکرد می‌توان خانواده‌ها را در دو دسته عملکردی و غیر عملکردی تقسیم کرد. خانواده‌های عملکردی، مشکلات خود را به درجات و در زمان‌بندی‌های متفاوت حل می‌کنند. در واقع، خانواده منظومه‌ای باز است که اعضاء به‌طور عاطفی به هم پیوسته‌اند، البته برای گسترش هویت فردی خود نیز تشویق می‌شوند. فضای چنین خانواده‌هایی مملو از عشق و پذیرش بدون قید و شرط است. در نتیجه، تعارض را تحمل می‌کنند و با میل و رغبت، درخواست کمک یکدیگر را اجابت می‌کنند (استریت، ۱۹۸۵؛ ترجمه تبریزی و علوی‌نیا، ۱۳۷۹). خانواده‌ی غیر عملکردی حالت بسته دارد و اعضاء از لحاظ عاطفی به حال خود رها شده و جدا از هم هستند. مرزهای بین اعضاء سخت و حتی مبهم است. عشق مشروط بوده و اعضاء خانواده برای گسترش هویت فردی، تشویق نمی‌شوند. خانواده از قبول مشکل و یا درخواست کمک خودداری نموده و به نظر می‌رسد، مشکلات ادامه می‌یابند و یا به شکل‌های دیگر بروز می‌کنند (پیکرستان، ۱۳۸۰). مطالعات متعددی در داخل و خارج از کشور ارتباط عملکرد خانواده را با رفتار دانش‌آموزان مورد بررسی قرار داده‌اند. عزیزی، جمالودین، شهرین، موحد رجا و نوردین^۳ (۲۰۰۹) در تحقیقی به بررسی مسائل انضباطی دانش‌آموزان دوره راهنمایی مالزی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان

1. Weishew & Peng
2. Goldenberg & Goldenberg
3. Azizi, Jamaludin, Shahrin, Mohd, Raja & Noordin

می‌دهد که دانش‌آموزان با مشکلات خانوادگی، نسبت به دانش‌آموزان فاقد مشکلات، با مسائل و مشکلات انضباطی بیشتری مواجه هستند. لاستر، مکادو و پایپس^۱ (۲۰۰۰)، در پژوهشی به منظور شناسایی عوامل مرتبط با پیشرفت و سازگاری کودکان آفریقایی-آمریکایی نشان دادند که بین عوامل نامطلوب موجود در محیط خانواده و مشکلات آموزشی و رفتاری کودکان رابطه‌ی مثبت برقرار است. شک^۲ (۱۹۹۸)، در پژوهش خود به بررسی رابطه عملکرد خانواده با سلامت روان‌شناختی، سازگاری تحصیلی و مشکلات رفتاری نوجوانان چینی پرداخته است. یافته‌های وی نشان می‌دهد نوجوانانی که عملکرد خانواده خود را نامطلوب گزارش داده بودند، در مقایسه با نوجوانانی که عملکرد خانواده خود را خوب گزارش کرده‌اند، از مشکلات بهداشت روانی و رفتارهای مشکل‌دار بیشتر و عملکرد تحصیلی ضعیف‌تر داشته‌اند. پورتس، هول، براون و ایگنبرگ^۳ (۱۹۹۵) نیز در مطالعه‌ای به بررسی کارایی خانواده و سازگاری کودکان مدرسه‌رو پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که از بین شش بعد تشکیل دهنده‌ی مقیاس سنجش عملکرد خانواده؛ مؤلفه‌های کنترل رفتار و مشارکت عاطفی، بیشترین سهم را در پیش‌بینی سازگاری دانش‌آموزان داشته‌اند. رئیسی^۴ (۱۳۸۶)، در مطالعه‌ای به بررسی علل و عوامل مؤثر در بی‌انضباطی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه‌ی استان چهارمحال و بختیاری پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان داد که عوامل جسمانی کمترین تأثیر و عوامل خانوادگی بیشترین تأثیر را در پیدایش مسائل انضباطی دانش‌آموزان دارد. بین عوامل خانوادگی و نمره‌ی انضباطی دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. فرهنگ فلاح^۵ (۱۳۸۲)، در پژوهش خود در راستای بررسی میزان رعایت مقررات آموزشی از طرف دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر کرج نشان می‌دهد که بین عوامل خانوادگی با میزان رعایت مقررات آموزشی رابطه‌ی مثبت وجود دارد. هرچه وضعیت خانوادگی در سطح مطلوب‌تری باشد، میزان رعایت مقررات نیز بیشتر خواهد بود.

1. Luster, Mcadoo & Pipes

2. Shek

3. Portes, Howel, Brown & Igenberg

حمداله‌زاده گل (۱۳۸۱)، در پژوهش خود، بین وضعیت خانوادگی دانش‌آموزان با رفتار مطلوب انضباطی آنها رابطه‌ی معنادار یافته است. مطالعه باغبانی‌پور (۱۳۷۹)، بیانگر آن است که بین مجموعه عوامل خانوادگی و بی‌انضباطی دانش‌آموزان، همبستگی منفی معناداری وجود دارد. هر چه ویژگی‌های خانوادگی دانش‌آموزان ضعیف‌تر گشته، بی‌انضباطی آنان شدت یافته و هرچه این ویژگی‌ها تقویت شده، بی‌انضباطی دانش‌آموزان کاهش یافته است. نتایج مطالعات موسوی شوشتری (۱۳۷۷)، شهسواری (۱۳۸۲)، بیدلی (۱۳۸۲)، نورالدین وند، شهنی ییلاق و پاشا (۱۳۸۲)، شریفی (۱۳۸۳)، امان الهی (۱۳۸۵)، تجلی و اردلان (۱۳۸۹)، نیز بیانگر تأثیر و ارتباط عملکرد خانواده با سازگاری دانش‌آموزان است. به طور کلی، نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که عملکرد خانواده به طور معناداری مرتبط با سازگاری فردی، اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان است.

متغیرهای روان‌شناختی، از عوامل دیگر مرتبط و تأثیرگذار بر رفتار دانش‌آموزان می‌باشند. نظریه پردازان عنوان می‌کنند که متغیرهای شناختی و روان‌شناختی ممکن است از جمله عواملی باشند که رفتارهای ناسازگارانه دانش‌آموزان مدارس را تحت تأثیر قرار دهند (تونی^۱، ۲۰۰۳). از مطرح‌ترین این متغیرها می‌توان به عزت‌نفس اشاره کرد. عزت‌نفس از جمله مفاهیمی است که در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از روان‌شناسان و پژوهشگران قرار گرفته است. عزت‌نفس^۲ به ارزشیابی فرد نسبت به خود اشاره دارد. ویژگی مذکور بیانگر نگرشی از پذیرش، قابلیت، اهمیت، موفقیت و ارزش فردی است که معمولاً فرد آن را حفظ می‌کند (کوپراسمیت، ۱۹۶۷). میزان رضایت و ارزشی که انسان برای خود قائل است در رفتار فرد اهمیت بسیاری دارد. بیشتر صاحب‌نظران، برخورداری از عزت‌نفس یا ارزیابی مثبت از خود را عامل مرکزی و اساسی سازگاری عاطفی و اجتماعی افراد تلقی می‌کنند (بیابانگرد، ۱۳۷۰). نتایج مطالعه محمودی و بتسر^۳ (۲۰۱۰) روی دانش‌آموزان کلاس سوم راهنمایی نشان می‌دهد که عزت‌نفس تأثیر مثبتی بر

1. Tony
2. self-esteem
3. Mahmoudi & Betsur

روی سازگاری دانش‌آموزان دارد. دانش‌آموزان با عزت نفس بالا، دارای سازگاری بهتری در مدرسه هستند. ماکسول^۱ (۱۹۹۲) در پژوهشی اثر جنس و نژاد بر افسردگی، پرخاشگری و عزت نفس و رابطه‌ی آنها با یکدیگر را بررسی و نشان داد که افسردگی، پرخاشگری و عزت نفس با نژاد و جنس رابطه معنادار ندارند، ولی بین افسردگی و پرخاشگری با سطح پایین عزت نفس رابطه‌ی معنادار وجود دارد. نتیجه تحقیق اکبرنیا (۱۳۸۷) نشان می‌دهد که بین عزت نفس دانش‌آموزان مقطع متوسطه‌ی شهر تهران با سازگاری تحصیلی آنها رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. نتیجه‌ی مطالعه‌ی جنتی‌محب‌سراج (۱۳۸۲) نیز حاکی از آن است که بین نمره‌ی انضباط دانش‌آموزان هر سه مقطع تحصیلی با متغیرهای پیشرفت تحصیلی، عزت نفس و خود پنداره، همبستگی معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش فلسفی نژاد (۱۳۷۲) نشان داد عزت نفس، سازگاری رفتاری دانش‌آموزان نوجوان با محیط کلاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تأثیر عزت نفس در سازگاری با محیط کلاس بدون توجه به جنسیت آزمودنی‌ها، از نظر آماری معنادار بوده است. مطالعه فرهنگ فلاح (۱۳۸۲) نیز، ارتباط عزت نفس با رعایت مقررات آموزشی را تأیید کرد.

منبع کنترل^۲ از دیگر متغیرهای مرتبط با رفتار است و اولین بار از جانب راتر تحت عنوان منبع کنترل درونی و بیرونی مطرح شد (بروور و کرنیو^۳، ۱۹۹۴). اصطلاح منبع کنترل برای تمایز بین افراد در کنترل درونی- بیرونی معرفی شده است. افرادی که معتقدند، سرنوشت خود را کنترل می‌کنند، دارای منبع کنترل درونی، و آن‌هایی که اعتقاد دارند، سرنوشت آنها به وسیله عوامل بیرونی تعیین می‌شود، دارای منبع کنترل بیرونی هستند (مقدم^۴، ۱۹۹۸). افراد با کنترل درونی معتقدند، پاداش به رفتارهای آنها وابسته است. آنها در پی کنترل سرنوشت خویش هستند. افراد

-
1. Maxwell
 2. locus of control
 3. Brewer & Krano
 4. Moghaddam

دارای کنترل بیرونی اعتقاد دارند، وقایع زندگی تحت کنترل آنها نیست، بلکه تحت کنترل عوامل و نیروهای خارجی و بیرونی است (تونی، ۲۰۰۳). هامپستون^۱ معتقد است، نمونه شخصیتی کاملاً خالص در زمینه کنترل درونی و یا بیرونی وجود ندارد. بلکه می‌توان گفت کنترل درونی- بیرونی پیوستاری است و هیچ تیپ شخصیتی کاملاً درونی یا بیرونی وجود ندارد. زیرا درجاتی از هر دو زمینه‌ی بیرونی و درونی بودن در افراد مطرح است (غضنفری، ۱۳۷۴). بررسی‌های مختلف در زمینه‌ی ارتباط منبع کنترل، سازگاری و سلامتی افراد، نشان دهنده‌ی وجود رابطه بین این دو متغیر است. رزن، رهاو و مولداوسکی^۲ (۲۰۰۷) در پژوهشی که روی دانش‌آموزان ۸ تا ۱۱ ساله مدارس ابتدایی اجرا کردند، چنین نتیجه‌گیری کردند: دانش‌آموزانی که از مهارت‌های خودکنترلی بالایی برخوردار هستند، رفتارهای پرخاشگرانه و نامطلوب کمتری از خود بروز می‌دهند. مطالعه‌ی تونی^۳ (۲۰۰۳) نشان می‌دهد، بین رفتارهای نامطلوب انضباطی و منبع کنترل بیرونی دانش‌آموزان رابطه‌ی مثبت وجود دارد، در حالی که دانش‌آموزان دارای رفتارهای مطلوب انضباطی از کنترل درونی بیشتر برخوردار هستند. مطالعه‌ی لفقورت^۴ (۱۹۹۲) نشان داد که افرادی که دارای منبع کنترل بیرونی هستند، مشکلات اجتماعی، شغلی و تحصیلی بیشتری دارند و در موقعیت‌های رقابت‌آمیز زودتر تسلیم می‌شوند. به علاوه در تعاملات اجتماعی مشکلات زیادی دارند و در برابر فشارهای اجتماعی، رفتارهای پرخاشگرانه و تحریک‌پذیر نشان می‌دهند.

نتایج پژوهش‌های مطرح در خصوص منبع کنترل نشان می‌دهند، افرادی که احساس می‌کنند، می‌توانند روی وقایع زندگی خود موثر باشند، نسبت به افرادی که چنین باوری ندارند از سلامت رفتاری و اجتماعی بیشتری برخوردار هستند (کراوس و شاو، ۲۰۰۰).

با عنایت به مبانی نظری و پژوهشی بیان شده، پژوهش حاضر تلاش بر آن داشته تا رابطه رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان دبیرستانی با عملکرد خانواده، منبع کنترل و عزت نفس آنان را

1. Hompston
2. Ronen Rahav Moldawsky
3. Tony
4. Lefcourt

مورد بررسی قرار دهد. از آنجا که عملکرد خانواده خود حاوی هفت متغیر حل مشکل، ارتباط، ایفای نقش، پاسخ دهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی بوده، بنابراین پژوهش حاضر در مجموع، ارتباط نه متغیر (هفت متغیر خانوادگی و دو متغیر فردی) را با رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان دبیرستانی مورد بررسی قرار داده است.

روش

روش مطالعه‌ی حاضر با توجه به موضوع آن که بررسی رابطه‌ی رفتار مطلوب انضباطی با عملکرد خانواده، منبع کنترل و عزت نفس دانش‌آموزان است، از نوع توصیفی همبستگی است. در این پژوهش، عملکرد خانواده با هفت مولفه، منبع کنترل و عزت نفس به عنوان متغیرهای پیش بین و رفتار مطلوب انضباطی به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه‌ی آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی و معاونین مدارس بودند که با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، نمونه‌ای به حجم ۳۸۰ نفر (دانش‌آموز، به همراه معاونین مدارس (معاونین ۳۰ مدرسه انتخابی) آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. به این ترتیب که ابتدا لیست تمام مدارس که در تهران بودند تهیه و سپس از بین مناطق ۲۲ گانه‌ی تهران، شش منطقه به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس ۵ مدرسه و از هر مدرسه به صورت تصادفی ۴ کلاس و از هر کلاس به صورت تصادفی ساده ۱۸ نفر (پایه دوم و سوم متوسطه) انتخاب شدند.

پرسشنامه‌ی سنجش عملکرد خانواده: این پرسشنامه برای سنجش عملکرد خانواده بر مبنای الگوی «مک‌مستر» توسط اپشتاین، بالدوین و بیشاپ (۱۹۸۳) تدوین شده است. نجاریان (۱۳۷۴)، نوروزی (۱۳۷۷)، ملانقی (۱۳۷۷)، میرعنایت (۱۳۷۸)، به نقل از امینی (۱۳۷۹)، رضایی (۱۳۷۸)، به نقل از بهاری (۱۳۷۹)، امینی (۱۳۷۹) و بهاری (۱۳۷۹) روایی صوری و محتوایی ابزار سنجش عملکرد

خانواده را مورد تأیید قرار داده‌اند. پایایی پرسشنامه در ایران با استفاده از روش همسانی درونی در پژوهش‌های متعدد تأیید شده است (جدول شماره ۱).

جدول ۱. ضرایب آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های پرسشنامه‌ی سنجش عملکرد خانواده

| ردیف | خرده مقیاس | پژوهش میرعنایت | پژوهش رضایی | پژوهش امینی | پژوهش حاضر |
|------|----------------|----------------|-------------|-------------|------------|
| ۱ | حل مشکل | ۰/۶۳ | ۰/۶۶ | ۰/۶۱ | ۰/۶۵ |
| ۲ | ارتباط | ۰/۶۳ | ۰/۶۷ | ۰/۳۸ | ۰/۵۴ |
| ۳ | ایفای نقش | ۰/۴۸ | ۰/۶۳ | ۰/۷۲ | ۰/۵۱ |
| ۴ | پاسخ‌دهی عاطفی | ۰/۵۶ | ۰/۴۲ | ۰/۶۴ | ۰/۶۸ |
| ۵ | آمیزش عاطفی | ۰/۷۴ | ۰/۶۱ | ۰/۶۵ | ۰/۶۸ |
| ۶ | کنترل رفتار | ۰/۵۹ | ۰/۳۸ | ۰/۶۱ | ۰/۶۴ |
| ۷ | عملکرد کلی | ۰/۷۴ | ۰/۷۳ | ۰/۸۱ | ۰/۸۴ |
| ۸ | کل مقیاس | ۰/۹۰ | ۰/۹۱ | ۰/۹۲ | ۰/۹۳ |

مقیاس منبع کنترل راتر: این مقیاس شامل بیست و نه ماده و دو قسمت است که هر ماده دارای دو جمله به صورت «الف» و «ب» است. مجموع نمرات در دو قسمت نشان دهنده میزان کنترل آزمودنی است. ضرایب روایی مقیاس کنترل درونی-بیرونی راتر در نمونه‌های ایرانی ۰/۷۰ محاسبه شده است (شیخی، ۱۳۷۲). غضنفری (۱۳۷۴) روایی مقیاس کنترل درونی-بیرونی راتر را با روش کودر ریچاردسون ۰/۶۹ به دست آورد.

مقیاس عزت نفس روزنبرگ: برای سنجش عزت نفس دانش‌آموزان دبیرستانی از مقیاس عزت نفس روزنبرگ^۱ (۱۹۷۲، به نقل از حبیبی، ۱۳۷۸) استفاده شده است. پایایی مقیاس عزت نفس روزنبرگ به شیوه آلفای کرونباخ در پژوهش حبیبی (۱۳۷۸) ۰/۶۸، در پژوهش حمداله‌زاده

1. Rosenberg self-esteem scale

(۱۳۸۱)، ۰/۷۰ و در پژوهش فرهنگ فلاح (۱۳۸۲)، ۰/۷۹ به دست آمده است. در پژوهش حاضر نیز، آلفای کرونباخ به دست آمده برابر با ۰/۸۳ می‌باشد. حبیبی (۱۳۷۸) روایی این آزمون را با تحلیل عاملی تأیید کرده است.

چک لیست رفتار مطلوب انضباطی دانش آموزان: این ابزار محقق ساخته بوده و به منظور بررسی رفتار مطلوب انضباطی دانش آموزان دبیرستانی تهیه و تدوین شده است. ابزار مذکور در اختیار معاونین مدارس قرار داده شد تا رفتار مطلوب انضباطی دانش آموزان نمونه‌ی پژوهش را بر اساس مشاهدات خود گزارش نمایند. ابزار، دارای بیست و هشت گویه بوده که هر گویه نوعی خاص را از رفتار مطلوب انضباطی دانش آموزان در نظر داشته است. روایی صوری و محتوایی ابزار به وسیله ۵ نفر از اساتید تعلیم و تربیت مورد تأیید قرار گرفته است به علاوه پایایی آن نیز در محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمده است.

داده‌های جمع آوری شده در نهایت با نرم افزار Spss18 و با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نتایج

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای عملکرد خانواده با رفتار مطلوب انضباطی

| ردیف | متغیر | r |
|------|----------------|--------|
| ۱ | حل مشکل | ۰/۲۶* |
| ۲ | ارتباط | ۰/۱۶* |
| ۳ | ایفاء نقش | ۰/۱۷* |
| ۴ | پاسخ‌دهی عاطفی | ۰/۲۱** |
| ۵ | آمیزش عاطفی | ۰/۳۵** |
| ۶ | کنترل رفتار | ۰/۳۲** |
| ۷ | عملکرد کلی | ۰/۲۷* |

نتایج جدول شماره ۲ نشان داد که بین عملکرد خانواده و ابعاد آن (حل مشکل، ارتباط، ایفای نقش، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار) با رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد.

جدول ۳. ماتریس همبستگی بین متغیرهای منبع کنترل و عزت نفس با رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان

| متغیر | r | Sig ^r | r ^۲ |
|-------------------|--------|------------------|----------------|
| منبع کنترل درونی | ۰/۲۰۱ | ۰/۰۱۱ | ۰/۰۴۰ |
| منبع کنترل بیرونی | -۰/۰۹۷ | ۰/۲۴۱ | ۰/۰۰۹۴ |
| عزت نفس | ۰/۲۵۵ | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۶۵ |

نتایج جدول شماره‌ی ۳ نشان‌داد که همبستگی مثبت معنادار بین منبع کنترل درونی دانش‌آموزان با رفتار مطلوب انضباطی آنها بوده است. در واقع، دانش‌آموزان با منبع کنترل درونی قوی‌تر، دارای رفتار انضباطی مطلوب‌تری بوده‌اند، اما این رابطه برای منبع کنترل بیرونی معنادار نبود. همچنین نتایج جدول شماره‌ی ۲ نشان داد بین عزت نفس دانش‌آموزان و رفتار انضباطی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه عزت نفس دانش‌آموزان بالاتر بوده، رفتار انضباطی آنان نیز مطلوب‌تر بوده است.

جدول ۴. سهم متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان

| متغیر | R | R2 | F | P |
|-------------|-------|-------|-------|-------|
| آمیزش عاطفی | ۰/۱۲۰ | ۰/۱۲۵ | ۲۲/۴۸ | ۰/۰۰۱ |
| عزت نفس | ۰/۱۵۲ | ۰/۱۶۳ | ۱۵/۱۷ | ۰/۰۰۱ |
| کنترل رفتار | ۰/۱۷۲ | ۰/۱۸۸ | ۱۱/۹۴ | ۰/۰۰۱ |

جدول ۵. ضرایب رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان

| گام | متغیر | B | Beta | t | ρ |
|---------|-------------|-------|-------|-------|--------|
| گام اول | مقدار ثابت | ۵/۵۴۷ | | ۱/۸۴۵ | ۰/۰۶۷ |
| | آمیزش عاطفی | ۰/۷۵۱ | ۰/۳۵۴ | ۴/۷۴۱ | ۰/۰۰۱ |
| گام دوم | مقدار ثابت | ۶/۵۳۶ | | ۱/۲۰۳ | ۰/۲۳۱ |
| | آمیزش عاطفی | ۰/۶۵۷ | ۰/۳۱۰ | ۴/۱۲۰ | ۰/۰۰۱ |
| | عزت نفس | ۰/۳۴۸ | ۰/۱۹۹ | ۲/۶۴۷ | ۰/۰۰۹ |
| گام سوم | مقدار ثابت | ۳/۱۶۰ | | ۰/۵۶۵ | ۰/۵۷۳ |
| | آمیزش عاطفی | ۰/۴۲۲ | ۰/۱۹۹ | ۲/۲۰۹ | ۰/۰۲۹ |
| | عزت نفس | ۰/۳۵۶ | ۰/۲۰۴ | ۲/۷۴۶ | ۰/۰۰۷ |
| | کنترل رفتار | ۰/۴۱۵ | ۰/۱۹۳ | ۲/۱۸۴ | ۰/۰۳۰ |

همان‌طوری که جدول شماره‌ی ۴ و ۵ نشان می‌دهد برای بررسی سهم هر یک از متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان از رگرسیون گام به گام استفاده شده است. بدین ترتیب که متغیرهای پیش‌بین وارد معادله شده‌اند و متغیرهایی که بیشترین سهم را در پیش‌بینی رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان داشته‌اند، مشخص گردیده‌اند. در گام اول، متغیر آمیزش عاطفی وارد معادله شد که $0/354$ از رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان توسط این متغیر پیش‌بینی گردید. در گام دوم، متغیرهای آمیزش عاطفی و عزت نفس به طور همزمان وارد معادله شدند، نتایج نشان داد با ورود متغیر عزت نفس، سهم متغیر آمیزش عاطفی به $0/31$ کاهش یافت و سهم هر کدام از متغیرهای آمیزش عاطفی و عزت نفس به ترتیب $0/31$ و $0/199$ شد. در گام سوم، متغیرهای آمیزش عاطفی، عزت نفس و کنترل رفتار همزمان وارد معادله شدند، نتایج نشان داد با ورود متغیر کنترل رفتار، سهم متغیر آمیزش عاطفی به $0/199$ کاهش یافت. در واقع نتایج جدول در گام سوم حاکی از آن است که متغیر آمیزش عاطفی $0/199$ ، عزت نفس $0/204$ و کنترل رفتار نیز $0/193$ پیش‌بینی‌کننده‌ی رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش در خصوص رابطه‌ی عملکرد خانواده با رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان نشان داد که بین عملکرد خانوادگی دانش‌آموزان با رفتار مطلوب انضباطی آنان در تمامی ابعاد؛ حل مشکل، ارتباط، ایفاء نقش، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. دانش‌آموزانی که دارای عملکرد خانوادگی سالم‌تر هستند، در مدرسه نیز دارای رفتار انضباطی مطلوب‌تری در رعایت قواعد و مقررات اجتماعی و آموزشگاهی هستند. همچنین دو بعد عملکرد خانواده یعنی ابعاد آمیزش عاطفی و کنترل رفتار از جمله متغیرهایی بودند که توانستند، رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان را تا حدی پیش‌بینی کنند. نتایج به دست آمده با یافته‌های پژوهش‌های؛ پورتس و همکاران (۱۹۹۵)، شک (۱۹۹۸)، لاستر و دیگران (۲۰۰۰)، عزیزی و همکاران (۲۰۰۹)، باغبانی پور (۱۳۷۹)، حمداله‌زاده (۱۳۸۱)، فرهنگ فلاح (۱۳۸۲)، رئیسی (۱۳۸۶) و همچنین یافته‌های پژوهش‌هایی چون موسوی شوشتری (۱۳۷۷)، شهسواری (۱۳۸۲)، بیدلی (۱۳۸۲)، شریفی (۱۳۸۳)، امان الهی (۱۳۸۵) و تجلی و اردلان (۱۳۸۹) همخوان است. نتایج این مطالعات بیانگر آن است که عملکرد خانواده، مرتبط با عملکرد انضباطی و سازگاری دانش‌آموزان در مدرسه است.

عملکرد خانواده از مهم‌ترین متغیرهای موثر بر رفتار آموزشگاهی دانش‌آموزان است. زمانی که عملکرد خانواده در تمامی ابعاد آن مطلوب باشد و خانواده دارای توانمندی حل مشکلات بوده، ارتباط بین اعضای خانواده صریح، آشکار و روشن باشد، اعضای خانواده بتوانند درباره مسائل مهم با یکدیگر به گفتگو پرداخته و نگرانی‌ها و علایق خویش را عنوان کنند و همچنین، در زمینه‌ی نقش‌ها، نقش اعضای به روشنی و مناسب تعریف شده باشد. نقش‌ها دربرگیرنده‌ی تمام کارکردهای ضروری خانواده باشد و به طور عادلانه بین اعضای خانواده تقسیم شده باشد. از سوی دیگر به لحاظ عاطفی، فضای خانواده مملو از عشق و علاقه باشد. خانواده مسئولیت تأمین نیازهای عاطفی اعضای را برعهده بگیرد و پاسخ‌گوی احساسات آنها باشد. به جای فقدان مشارکت،

مشارکت‌عاری از عاطفه و یا مشارکت بیش از حد، مشارکت (آمیزش) عاطفی از نوع همدلانه وجود داشته و مشارکت بر اساس درک واقعی اعضاء از نیازهای یکدیگر صورت گیرد و به پاسخ‌هایی بینجامد که این نیازها را برآورده سازد. در بعد کنترل رفتار نیز به جای کنترل خشک و انعطاف‌ناپذیر و یا استفاده از شیوه‌های هرج و مرج گرایانه و یا بی‌قید و بند، از کنترل انعطاف‌پذیر استفاده شود. در این حالت، رفتارهای فرزندان در محیط‌های مختلف و از جمله آموزشگاه، قابل پیش‌بینی و سازنده خواهد بود. در چنین شرایطی، رفتار و رفتار انضباطی دانش‌آموزان نیز به تبع خانواده، منسجم و مطلوب خواهد شد.

منبع کنترل نیز با رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان در مدرسه رابطه‌ی معنادار دارد. هر چه منبع کنترل دانش‌آموزان درونی‌تر باشد، رفتار انضباطی آنها مطلوب‌تر خواهد بود. این نتیجه با گزارش‌ها و نتایج پژوهش‌های لفقورت (۱۹۹۲)، تونی (۲۰۰۳)، رنن و همکاران (۲۰۰۷)، خزامی (۱۳۷۶) و پناهی (۱۳۸۱) هم‌خوانی دارد. نتایج پژوهش‌های فوق، حاکی از وجود رابطه بین منبع کنترل درونی با سلامت و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان است. افرادی که احساس می‌کنند، می‌توانند بر روی وقایعی که در زندگی رخ می‌دهد، موثر باشند (افراد دارای منبع کنترل درونی)، نسبت به افرادی که دارای چنین باوری نیستند (افراد دارای منبع کنترل بیرونی) از سلامت و سازگاری اجتماعی بیشتری برخوردار بوده و از جمله در مدارس نیز از رفتار مطلوب انضباطی برخوردار خواهند شد.

بر اساس نتایج مطالعه عزت نفس نیز با رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنادار دارد. هر چه عزت نفس دانش‌آموزان در سطح بالاتر باشد، رفتار انضباطی آنها مطلوب‌تر خواهد بود. عزت نفس از متغیرهای پیش‌بینی کننده‌ی رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان در این پژوهش است. نتیجه‌ی به‌دست آمده هماهنگ و همسو با یافته‌های پژوهشی ماکسول (۱۹۹۲)، محمودی و بتسر (۲۰۱۰)، فلسفی‌نژاد (۱۳۷۲)، فرهنگ فلاح (۱۳۸۲) و اکبرنیا (۱۳۸۷) است. عزت نفس به عنوان ویژگی قابل توجه روان‌شناختی، تاثیر مهمی در سازگاری افراد دارد. افرادی که از

عزت نفس بالا برخوردار هستند، نسبت به محیط سازگارتر بوده و مسائل و مشکلات رفتاری کمتری دارند. چنانکه مطالعه فرهنگ فلاح (۱۳۸۲) نشان داده، دانش‌آموزان دارای عزت نفس بالا، مقررات آموزشی را با درک جامع‌تر رعایت نموده، سازگاری، قدرت انطباق و رفتار مطلوب انضباطی بهتری دارند.

یافته‌های پژوهش نشان داد از بین نه متغیر مورد بررسی، سه متغیر آمیزش عاطفی، عزت نفس و کنترل رفتار به ترتیب پیش‌بینی‌کننده‌های قوی رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان بوده‌اند. به عبارت دیگر، متغیرهای مذکور دارای بیشترین سطوح روابط معنادار با رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان مورد بررسی بوده‌اند لذا، چنانچه خانواده‌ها، مدارس و متولیان تربیتی در خصوص زمینه‌های مذکور عملکرد مناسبی داشته و ابعاد مذکور را در عملکردهای خود رعایت نموده و توسعه دهند، می‌توان انتظار داشت، رفتار انضباطی دانش‌آموزان دوره تحصیلی مذکور متناسب با شئون عرفی، قانونی و اجتماعی باشد.

خانواده‌ها ضمن رعایت مؤلفه‌های هفت‌گانه‌ی مورد بررسی به خصوص لازم است به دو مؤلفه؛ آمیزش عاطفی و کنترل رفتار بیش از پیش توجه کنند. در آمیزش عاطفی مقصود، میزان علاقه‌ایی است که خانواده به فرزند خود نشان می‌دهد. در واقع میزان ارزشی که خانواده برای فعالیت‌ها و علایق خاص فرزندان قایل می‌شود، باید مطلوب و در حد شایسته باشد. از سوی دیگر لازم است، خانواده از الگوی مناسبی برای مهار موقعیت‌های خطرناک، موقعیت‌هایی که متضمن تعامل درون و برون خانگی است، استفاده نموده به خصوص واکنش‌ها و عواطف خود را در مواقع بحرانی کنترل کند تا بدین وسیله الگوی ناشایستی را برای فرزند خود فراهم نیاورد.

مقوله‌ی سوم، عزت نفس دانش‌آموز است که بی‌تردید پایه‌ی اولیه آن در خانواده و سپس در مدرسه و اجتماع گذارده می‌شود. لازم است والدین و اولیاء مدارس به گونه‌ای عمل کنند تا عزت نفس، یا همان ارزشیابی فرد نسبت به خود، مخدوش نشده و تصویر دانش‌آموز از خود همراه با اهمیت، موفقیت و ارزشمندی فردی باشد. خانه و مدرسه هر دو در این امر موثرند و خدشه در

این وجه اساسی شخصیت، پیامدهای جبران ناپذیری خواهد داشت که یکی از آنها رفتار نامطلوب انضباطی در مدرسه خواهد بود.

به طور کلی، نتایج پژوهش نشان داد که خانواده تأثیر زیادی در رفتار مطلوب انضباطی و سازگاری دانش‌آموزان در مدارس دارد. از آن جایی که خانواده نخستین محیط اجتماعی است که کودک را تحت سرپرستی و مراقبت قرار می‌دهد، بنابراین نقش ممتازی در سازگاری و انضباط دانش‌آموزان بر عهده دارد. موضوعی که بایستی مورد توجه والدین دانش‌آموزان قرار گیرد. نتایج پژوهش همچنین نشان داد که عزت نفس و منبع کنترل، مرتبط با رفتار مطلوب انضباطی دانش‌آموزان است. با توجه به این موضوع که پایه‌ی اولیه‌ی برخورداری از عزت نفس و نیز منبع کنترل درونی ابتدا در خانواده و سپس در مدرسه گذارده می‌شود، باز نقش خانواده و سپس مدرسه در سازگاری دانش‌آموزان برجسته می‌شود. موضوعی که باید بیش از گذشته مورد توجه خانواده‌ها و مسئولین آموزش و پرورش قرار گیرد.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی همراه بود از جمله اینکه شمار زیاد سوالات پرسشنامه‌ها موجب طولانی شدن زمان اجرا گردید که این می‌تواند در دقت دانش‌آموزان در تکمیل پرسشنامه تأثیر بگذارد. همچنین پیشنهاد می‌شود به منظور شناخت دقیق‌تر مسایل مربوط به دانش‌آموزان، نظرات والدین و مدیران و معلمان نیز مورد بررسی قرار گیرد. در پایان از تمامی کسانی که ما را در اجرای این تحقیق یاری کردند تشکر به عمل می‌آید.

منابع

- استریت، ادی (۱۹۸۵). مشاوره خانواده، نظریه و عمل در نگرش سیستمی، ترجمه‌ی مصطفی تبریزی و علی علوی نیا (۱۳۷۹). تهران: انتشارات فراروان.
- اکبرنیا، عبدالحمید (۱۳۸۷). بررسی رابطه‌ی بین عزت نفس و اعتقادات دینی با سازگاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه‌ی شهر تهران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد، دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

امان الهی، عباس (۱۳۸۵). بررسی رابطه‌ی ساده و چندگانه‌ی عملکرد خانواده و جو روانی - اجتماعی کلاس با سازگاری دانش‌آموزان پسر پایه‌ی اول دبیرستان‌های شهر اهواز، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان خوزستان.

امان الهی، عباس؛ عطاری، یوسفعلی و خجسته مهر، رضا (۱۳۸۶). بررسی رابطه‌ی عملکرد خانواده و جو روانی - اجتماعی کلاس با ناسازگاری در بین دانش‌آموزان سال اول دبیرستان‌های شهر اهواز، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، شماره ۳۰.

امینی، فریده (۱۳۷۹). مقایسه‌ی عملکرد خانواده در دو گروه دانش‌آموزان دختر مستقل و وابسته، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.

باغبانی پور، رقیه (۱۳۷۹). بررسی رابطه‌ی بی‌انضباطی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی با ویژگی‌های خانوادگی و تحصیلی آنان در منطقه ۱۵ آموزش و پرورش شهر تهران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته مشاوره، اداره کل آموزش‌های ضمن خدمت وزارت آموزش و پرورش، دانشکده‌ی مدیریت و برنامه‌ریزی.

بال، ساموئل (۱۹۷۷). انگیزش در آموزش و پرورش، ترجمه‌ی علی اصغر مسدد. (۱۳۷۳). شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.

به پژوه، احمد (۱۳۸۰). خانواده و فرزندان در دوره‌ی دبیرستان، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان. بهاری، فرشاد (۱۳۷۹). ارزیابی و مقایسه کارایی خانواده بین زوج‌های غیر طلاق و زوج‌های طلاق مرجوعی به بخش روانپزشکی سازمان پزشکی قانونی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه تربیت معلم.

بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۰). بررسی رابطه‌ی بین مفاهیم منبع کنترل، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

بیدلی، مسعود (۱۳۸۲). بررسی رابطه‌ی بین عملکرد خانواده با سازگاری فردی، تحصیلی و اجتماعی فرزندان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

- پناهی، بهروز (۱۳۸۱). بررسی رابطه‌ی بین منبع کنترل و سلامت روانی در دانشجویان مراکز تربیت معلم شهر تهران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- پیکرستان، عباسعلی (۱۳۸۰). بررسی عملکرد خانواده‌های دارای دختر نوجوان فراری و خانواده‌های دارای دختر نوجوان عادی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.
- تجلی، فاطمه و اردلان، الهام (۱۳۸۹). رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با خودکارآمدی و سازگاری تحصیلی، مجله روانشناسی، ۱۴(۱)، .
- جتی محب سراج، قربانعلی (۱۳۸۲). بررسی رابطه‌ی نمره انضباط با پیشرفت تحصیلی، عزت نفس و خود پنداره دانش‌آموزان پسر هر سه مقطع تحصیلی شهر قوچان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- حبیبی، رامین (۱۳۷۸). نقش حرمت خود در رفتار کمک‌خواهی و فعالیت‌های مرتبط با پیشرفت تحصیلی نوجوانان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- حمداله‌زاده گل، مجبعلی (۱۳۸۱). عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی عملکرد انضباطی دانش‌آموزان در مدارس متوسطه: مورد شهرستان میاندوآب، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته تحقیقات آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- خزایی، محمدجعفر (۱۳۷۶). بررسی مقایسه‌ای عزت نفس و مرکز کنترل در نوجوانان پسر بزه‌کار و عادی شهر تهران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- رئیس‌ی، حمید (۱۳۸۶). بررسی علل و عوامل مؤثر بر بی‌انضباطی دانش‌آموزان دوره‌ی تحصیلی متوسطه‌ی استان چهارمحال و بختیاری، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری.
- شریفی، فریبا (۱۳۸۳). مقایسه‌ی رابطه‌ی بین عملکرد خانواده و میزان سازگاری در دانش‌آموزان دختر و پسر سال دوم متوسطه‌ی شهرستان ارومیه در سال تحصیلی ۸۳-۸۲، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی.

شهسواری، محمدهادی (۱۳۸۲). بررسی رابطه‌ی تعامل‌های درونی خانواده با رشد قضاوت اخلاقی و سازگاری دانش‌آموزان پسر سال اول متوسطه‌ی شهر اراک در سال تحصیلی ۸۲-۸۱، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه تربیت معلم.

شیخی فینی، علی‌اکبر (۱۳۷۲). بررسی رابطه‌ی بین انگیزش پیشرفت، منبع کنترل و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه‌ی شهر بندرعباس، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

غضنفری، احمد (۱۳۷۴). مقایسه‌ی منبع کنترل و میزان افسردگی گروه جانباز و معلولین عادی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

فرهنگ فلاح، فاطمه (۱۳۸۲). بررسی میزان رعایت مقررات آموزشی‌گانه‌ی از سوی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر کرج در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

فلسفی نژاد، محمدرضا (۱۳۷۲). بررسی تأثیر عزت نفس در سازگاری رفتاری دانش‌آموزان ۱۲ تا ۱۸ ساله با محیط کلاس در شهرستان قم. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی، دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.

ملانقی، فاطمه (۱۳۷۷). بررسی وضعیت عملکرد خانواده و سلامت روانی زنان در خانواده‌های چند همسری، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

موسوی شوشتری، مژگان (۱۳۷۷). بررسی رابطه‌ی جو عاطفی خانواده با سازگاری فردی، اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه‌ی سوم مدارس راهنمایی شهر اهواز. شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان خوزستان.

نجاریان، فاطمه (۱۳۷۴). عوامل مؤثر در کارایی خانواده، بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس سنجش خانواده، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

نظری، زهرا (۱۳۸۷). بررسی و مقایسه‌ی عملکرد خانواده‌های عادی و مطلقه‌ی شهر تهران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی.

نورالدین وند، محمد حسین؛ شهنی بیلاق، منیجه و پاشا، غلامرضا (۱۳۸۲). رابطه‌ی بین جو عاطفی خانواده با سازگاری فردی - اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه شهرستان مسجد سلیمان. نشریه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، ۲(۱)، ۲۰-۱۹.

نوروزی، مهدی (۱۳۷۷). بررسی تأثیر عملکرد خانواده در ابتلا به اختلال روانی نوجوانان گروه سنی ۱۵ الی ۱۸ سال در شهر تهران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

- Azizi, Y., Jamaludin., Shahrin., Mohd., Raja Roslan R. A. R., & Noordin, Y.(2009). Discipline problems among secondary school students in johor behru, Malaysia. *European Journal of social sciences*, volume 11, Number 4.
- Brewer, M., & Krano, W. (1994). *Social Psychology*. west publishing company.
- Coopersmith, S.(1967). *The Antecedents of Self-Esteem*. Sanfransisco: Freeman Company.
- Epstein, N.B., Baldwin, L.M., & Bishop, D.S. (1983). Family assessment Device mcmaster model. *Journal of Marital and Family Therapy*, Vol 9. 171-180.
- Galloway, D., & Rogers, C. (2000). motivational style: A link in the relationship between school effectiveness and childrens behavior?. vol. 11 (2) : 16-25.
- Goldenberg, h., & goldenberg, l. (1998). *counseling todays family*, (3ed). brooks & cole publishing co.
- Krouse, N., & Show, B. (2000). *Specific Feelings of Control and mortality school of public health*. University of Michigan.
- Lefcourt, H. M. (1992). Durability and impact of the locus of control construct, *psychological bblletion*, 112, 411-414.
- Luster, T., Mcadoo, H., & Pipes, N. (1994) factors related to the achievement and adjustment of young African American children. *child development*.
- Mahmoudi, A., & Betsur, N. (2010). Relationship between adjustment and self - esteem among adolescents, *Asian Journal of development matters*, 3(1), 75-86.
- Maxwell, B. E. (1992). Hostility., Depression and Self-Esteem A mong troubled and Homless Adolescents in crisis. *Journal of youth and adolescence*, 21, 139-150.
- Moghaddam, F. (1998). *Social Psychology, Exploring Universal Across cultures*, Freeman and company. New York.
- Nakamura, R.M. (2000). *Healthy Classroom Management*. Canada: Wads worth.
- Portes, J., Howel, P., Brown, Y., & Igenberg, D. (1995). Thr relation between family function and adjustment adolescence. *Journal of health and social behavior*, 25, 136-159.
- Renk, K., Mckinney, C., Klein, J. & Oliveros, A. (2006). childhood discipline percption of parents and current fanchioning in the femal college students. *Journal of adolescence*. 29, 73-88
- Richman, N., Stevenson, J., & Graham, P.J (1982). *Pre-School to school. A behavioural study*. Academic Press, INC, (London) L. T.D.

- Ronen, T., Rahav, G., & Moldawsky, A.(2007). Aggressive behavior among Israel elementary school student and associated emotional/behavior problems and self-control. *school psychology Quarterly*, 22(3), 8-87.
- SheK, D. L., (1998). A longitudinal study of Hong Kong adolescent's and parent's perceptions of family functioning and well-being. SREL. *Social Service Review*, 64, 121-142.
- Tony, T.S. K.(2003). locus of control, attributional style and discipline problems in secondary schools. *early child development and car*, 173 (5) , 455-466.
- Weishew, N.L. , & Peng , S . S. (1993). variables predicting students problem behaviors, *Journal of educational research*. 81, 352-358.

Archive of SID